

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه برای دریافت درجه تحصیلی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان

تحلیل سبک شناختی سه اثر خواجه عبدالله انصاری (طبقات الصوفیه، رسایل و صدمیدان)

با رویکرد تحلیلی گفتمان انتقادی

استاد راهنما

دکتر محمد جعفر یاحقی

استاد مشاور

دکتر محمود فتوحی رودمعجنی

دانشجو

مژگان موحد عثمانی

سال ۱۳۹۱



بسمه تعالی

مشخصات پایان‌نامه تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان‌نامه: تحلیل سبک‌شناسی انتقادی، سه اثر خواجه عبدالله انصاری، با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی.

نام نویسنده: مژگان موحد عثمانی

نام استاد(ان) راهنما: آقای دکتر محمد جعفر یاحقی

نام استاد(ان) مشاور: آقای دکتر محمود فتوحی رودممعجنی

رشته تحصیلی: ادبیات فارسی

گروه: ادبیات فارسی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی.

تاریخ دفاع:

تاریخ تصویب:

تعداد صفحات:

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد دکتری

چکیده پایان‌نامه:

در پژوهش حاضر به تحلیل سبک‌شناسی سه اثر خواجه عبدالله انصاری به روش سبک‌شناسی انتقادی پرداختیم. این پژوهش در پنج لایه آوایی، واژگانی / ایدئولوژی، نحوی و بلاغت سامان یافته، و نتایج ذیل به دست آمده است: در لایه آوایی، متغیرهای آوایی بنا به اقتضای بافت موقعیتی (متناسب به موقعیت اجتماعی مخاطبان و مؤلف) به کار رفته است. در لایه واژگانی بسامد بالای رمزگان مذهبی با کارکرد محقق دانستن دو مذهب (حنبلی و شافعی) و رد و طرد مذاهب دیگر سازمان دهی شده است. در لایه نحوی، استفاده فراوان از وجه امری و اخباری در متون مورد نظر نمود میزان بالای قطعیت متن و اقتدار بالای مؤلف در برابر مریدان و مخاطبان بوده، و سبک آمرانه و چالشی خواجه مولود استفاده از چنین ساختارهای نحوی و واژگانی است. ایدئولوژی خواجه حول این محور که «در مذاهب حنبلی و شافعی بدعت راه ندارد و این دو مذهب محق است» قابل تبیین است. از آن جا که میزان موضع‌گیری مذهبی خواجه در طبقات‌الصوفیه و رسایل زیاد است، جا را برای این فتوا باز کرده است، که بگوئیم خواجه بیش از این که عارف بوده باشد فقیه بوده است، و این فقیه برای تبلیغ مذاهب مورد نظرش از گفتمان عارفانه که گفتمان مسلط وقت بوده سود برده است.

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

کلید واژه: خواجه عبدالله انصاری، حنبلی، شافعی، سبک‌شناسی انتقادی.

تقدیم به:

سرزمینم

ملتم! اگرچه بسیاری از فرزندان ناخلف بودند
و تو را زخم‌ها دادند، من با این کارم کوشیدم که
اندک مرهمی بر زخم‌های ناسورت گذارم...

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۴	فصل اول.....
۵	۱- کلیات تحقیق.....
۵	۱-۱- طرح مسئله.....
۶	۲-۱- پرسش های تحقیق.....
۶	۳-۱- فرضیه های تحقیق.....
۷	۴-۱- پیشینه پژوهش.....
۱۰	۵-۱- ضرورت انجام تحقیق.....
۱۴	فصل دوم.....
۱۵	احوال و آثار خواجه عبدالله انصاری.....
۱۵	۱-۲- زندگی نامه خواجه عبدالله انصاری هروی در پیوند با بافت اجتماعی.....
۱۷	۲-۲- آثار خواجه عبدالله انصاری.....
۱۹	۲-۲-۱- طبقات الصوفیه.....
۲۴	۲-۲-۲- صدمیدان.....
۲۵	۳-۲-۲- رسائل جامع.....
۲۸	فصل سوم.....
۲۹	۳- مسائل نظری تحقیق.....
۲۹	۳-۱- تعریف سبک شناسی.....
۳۰	۳-۲- سبک شناسی انتقادی.....

عنوان

صفحه

۳۲	۳-۲-۱- مفهوم گفتمان
۳۳	۳-۲-۳- ایدئولوژی
۳۴	۳-۲-۳- قدرت
۳۷	فصل چهارم
۳۷	۴- لایه آوایی
۳۸	۴-۱- تجزیه و تحلیل آوایی سه اثر (طبقات الصوفیه، صدمیدان، رسایل)
۳۸	۴-۱-۱- تأثیر ژانر هر اثر در گزینش نوع سبک
۳۹	۴-۱-۱-۱- تأثیر موضوع طبقات الصوفیه بر گزینش سبک آن
۴۱	۴-۱-۱-۲- تأثیر محتوای رسایل بر گزینش سبک آن
۴۲	۴-۱-۱-۳- تأثیر محتوای صدمیدان بر گزینش سبک آن
۴۵	۴-۲- ۱- مختصات آوایی طبقات الصوفیه
۴۵	۴-۲-۲- تحولات آوایی در سطح عبارات
۴۷	۴-۲-۳- تحولات آوایی در سطح واژگان
۵۰	۴-۲-۴- تحولات آوایی در سطح افعال
۵۲	۴-۲-۵- تحولات آوایی در سطح ضمائر
۵۳	۴-۲-۶- صفت برتر
۵۴	۴-۲-۷- ساختمان فعل‌ها
۵۴	۴-۲-۸- قیدهای نفی
۵۵	۴-۲-۹- ادغام، ابدال، تخفیف، یا حذف و زیادت
۵۷	۴-۳- آرایه‌های لفظی
۵۸	۴-۳-۱- توازن واجی
۶۳	۴-۳-۲- توازن هجایی
۶۳	۴-۳-۳- تکرار در سطح واژه

۶۴ ۴-۳-۴ هم‌گونی ناقص
۶۵ ۵-۳-۴ هم‌گونی کامل
۶۷ ۶-۳-۴ تکرار در سطح گروه
۶۷ ۱-۶-۳-۴ هم‌گونی ناقص در تکرار گروه
۶۷ ۲-۶-۳-۴ هم‌گونی کامل در تکرار گروه
۶۷ ۷-۳-۴ تکرار در سطح جمله
۶۸ ۱-۷-۳-۴ هم‌گونی ناقص
۶۸ ۲-۷-۳-۴ هم‌گونی کامل
۶۹ ۸-۳-۴ توازن نحوی
۶۹ ۱-۸-۳-۴ تکرار ساخت
۶۹ ۲-۸-۳-۴ هم‌شین سازی نقشی
۷۰ ۳-۸-۳-۴ جانشین ساز نقشی
۷۰ ۴-۴ نتیجه گیری
۷۲ فصل پنجم
۷۲ لایه ایدئولوژی و واژگانی
۷۳ ۵- ابزار تحلیل لایه واژگانی
۷۳ ۱-۱-۵ واژگان از حیث نشان‌داری
۷۵ ۲-۱-۵ شاخص
۷۵ ۳-۱-۵ نظام نشانه‌ای (رمزگان) در بافت
۷۷ ۴-۱-۵ تکرار و ترادف
۷۷ ۵-۱-۵ الفاظ مؤکد
۷۷ ۶-۱-۵ انواع بافت
۷۸ ۲-۵ مدخلی بر ایدئولوژی حاکم بر طبقات الصوفیه، رسایل و صدمیدان
۷۹ الف) بافت موقعیتی یا فرازبانی
۷۹ ۱-۲-۵ موضع خواجه در قبال مذاهب
۸۳ ۲-۲-۵ موضع خواجه در باب ایدئولوژی های کلامی

عنوان

صفحه

..... ۸۶	۳-۲-۵. خاست‌گاه اندیشه‌های مذهبی پیرهرات
..... ۸۹	۴-۲-۵- بنیادگرایی و سلفی‌گری در آثار خواجه
..... ۹۱	۵-۲-۵- جایگاه خضر در ساحت اندیشگانی خواجه
..... ۹۲	۶-۲-۵- اعتبار بخشی مذهب برای عرفا
..... ۱۱۳	۳-۳-۵- تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی در سطح وازگان
..... ۱۱۳	ب) بافت زبانی یا متنی
..... ۱۲۴	ج) بافت تاریخی یا بینامتنی
..... ۱۳۱	نتیجه
..... ۱۳۳	فصل ششم
..... ۱۳۳	لایه‌ی نحوی
..... ۱۳۴	۱-۶- پیوند نحو و ایدئولوژی
..... ۱۳۵	۱-۱-۶- ساختار نحوی صدمیدان
..... ۱۳۹	۲-۱-۶- ساختار نحوی رسایل
..... ۱۴۱	۳-۱-۶- ساختار نحوی طبقات الصوفیه
..... ۱۴۳	۱-۲-۶- وجهیت
..... ۱۴۴	۱-۲-۶- وجه اخباری و آثار انصاری
..... ۱۴۶	۲-۱-۲-۶- وجه التزامی
..... ۱۴۸	۳-۱-۲-۶- استعاره دستوری
..... ۱۴۹	۴-۱-۲-۶- وجه پرسشی
..... ۱۵۳	۵-۱-۲-۶- وجهیت در قید و صفت
..... ۱۵۶	۳-۶- صدای دستوری
..... ۱۶۱	نتیجه
..... ۱۶۲	فصل هفتم
..... ۱۶۲	لایه بلاغت

عنوان	صفحه
۱-۷. بلاغت و متن.....	۱۶۳
۱-۱-۷ کارکرد ابزار بلاغی در شخصی سازی زبان	۱۶۳
۱-۲-۷. ایدئولوژی خواجه در پوشش استعاره	۱۶۴
۱-۳-۷- تمثیل و نماد در آثار خواجه	۱۸۵
۲-۷- بلاغت ساختاری	۱۸۸
۱-۲-۷- ساختار بلاغی طبقات الصوفیه	۱۹۰
۲-۲-۷- ساختار بلاغی صدمیدان	۱۹۴
۳-۲-۷- ساختار بلاغی رسائل	۱۹۷
نتیجه گیری.....	۲۰۱
کتاب نامه.....	۲۰۸
چکیده لاتین.....	۱۱۶

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۳	نمودار ۱: جایگاه سبک‌های خواجه در گستره ادبیات عرفانی.....
۱۴۶	نمودار ۲: توزیع فراوانی وجه اخباری.....
۱۴۷	نمودار ۳: توزیع فراوانی وجه التزامی:.....
۱۴۹	نمودار ۴: تقزیم فراوانی استعاره دستوری.....

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۱۴	جدول شماره ۱ فرایندهای محتوایی واژگان در صدمیدان .
۱۱۶	جدول شماره ۲ فرایند ساختار لفظی واژگان صدمیدان.
۱۱۸	جدول شماره ۳: فرایند محتوای واژگان طبقات الصوفیه.
۱۲۱	جدول شماره ۴ فرایند محتوایی واژگان رسایل .
۱۲۲	جدول شماره ۵ فرایند ساختار لفظی واژگان رسایل.
۱۷۷	جدول ۶: میدان تناظر استعاره « عرفان سفر است».

فهرست اشکال

صفحه	عنوان
۱۳۷	شکل ۱: ساختار کلان نحوی صدمیدان.....
۱۳۸	شکل ۲: ساختار خُرد نحوی صدمیدان:.....
۱۴۰	شکل ۳: ساختار شکلی جملات در رسایل.....
۱۴۱	شکل ۴: ساختار شکلی جملات در رسایل.....
۱۴۲	شکل ۵: نمود شکلی ساختار جمله در طبقات الصوفیه.....
۱۷۲	شکل ۶: نگاشت استعاره «عرفان سفر است».....
۱۷۸	شکل ۷: نگاشت استعاره مفهومی جهت‌نمای «سُنی برتر است».....

مقدمه

مطالعه در ابعاد مختلف عرفان، علوم متعددی را پدید آورده است که می‌توان از آن‌ها به " علوم عرفانی " تعبیر کرد. مهمترین شاخه‌های علوم عرفانی در سنت اسلامی، عبارت‌اند از: عرفان عملی و عرفانی نظری. اکثریت آثار عرفانی که قبل از ابن عربی تألیف شده مربوط به ساحت عرفان عملی است. عرفان عملی از مطالبی چون سیر و سلوک، دعا و ذکر، نصایح و بیان حالات عارفان بحث می‌کند، مؤلفان این آثار گاه از حقایق شهودی، هستی‌شناسی به ویژه توحید و انسان‌شناسی، خاصه مسئله ولایت نیز سخن گفته‌اند؛ اما علمی نظام‌مند از این معارف پدید نیآورند (فناپی اشکوری، ۱۳۸۹: ۶۴).

در حوزه عرفان نظری قبل از ابن عربی عرفایی چون ابوحامد غزالی و عین‌القضات همدانی گام‌هایی برداشته بودند، اما ابن عربی این جریان را به اوج رساند، چنان‌که برخی از محققان بر این باورند که ابن عربی نه مؤسس عرفان نظری، بلکه مکمل آن بوده. در اشعار سنایی، عطار و مولوی نیز می‌توان عناصر مهمی از عرفان نظری یافت، قطعاً بسیاری از عناصر عرفان نظری در اندیشه‌های عرفا و حکمای پیشین وجود دارد، اما بی‌شک ابن عربی و اتباع او بودند که به آن سر و سامان دادند، و اصول و ارکان و مسائل آن را به تفصیل تحقیق کردند و به تحریر درآوردند. دو اثر مهم ابن عربی یعنی *الفتوحات المکیه* و *فصوص الحکم* مهم‌ترین متون عرفان نظری هستند عرفان نظری پس از ابن عربی بسط و کمال یافت و پیروانش از صدرالدین قونوی تا صدرالدین قوامی شیرازی و از او تا حکمای معاصر در صورت بندی منطقی آن گام‌های بلندی برداشتند.

معرفت عرفان نظری تفاوت اساسی با شناخت‌های دیگر دارد، سنخ، موضوع، متعلق، منابع، ابزار، راه - های تحصیل، آثار و نتایج، ارزش، جایگاه و بسیاری دیگر از ویژگی‌های این معرفت با دیگر معارف تفاوت دارد، معرفت عرفان نظری غیر مفهومی است. فاصله عالم و معلوم در معرفت عرفانی به حداقل می‌رسد، و گاه برداشته می‌شود. متعلق این معرفت حقایق باطنی، قدسی و الهی است ابزار آن

نه حواس بیرون یا ذهن بلکه باطن و قلب انسان است. این معرفت نه از رهگذر تعلیم و تعلم و حتی تفکر نظری که از راه تهذیب نفس و تصفیه دل و بندگی خالصانه و عاشقانه حاصل می شود (همان). در طول تاریخ این معرفت مخ الفان و معاندانی داشته است، مخالفان این علم را می توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱- متشرعان قشری. ۲- صوفیانی که بیشتر به جنبه عاشقانه و یا زاهدانه تصوف توجه دارند. ۳- اهل استدلال و فلسفه بحثی که منکر راه دیگری برای وصول به حقیقت خارج از طریق استدلال اند. ۴- متجددان و پیروان فلسفه ها و نحله های فکری جدید که اساساً با عرفان و تفکر عرفانی مخالف اند (نصر، ۱۳۷۱: ۱۲۲). با وجود همه مخالفت های که در طول تاریخ با این نوع معرفت شده است باز هم این علم سر و سامان گرفته و آثار قابل اعتنایی در این حوزه تألیف شده است.

اما حوزه معرفت عرفان عملی شامل روابط و وظایف انسان با خودش، با جهان و با خدا می شود. این بخش از عرفان «سیر و سلوک» نامیده می شود. در این بخش از عرفان توضیح داده می شود که سالک برای این که به قله رفیع انسانیت یعنی توحید برسد از کجا باید آغاز کند و چه منازل و مراحل را باید به ترتیب طی کند و در منازل بین راه چه احوالی برای او رخ می دهد و چه وارداتی بر او وارد می شود (شه بخش، ۱۳۸۵: ۱۵۲). اکثریت گزاره های این جریان منطبق با موازین شریعت است، خواجه عبدالله انصاری نمایندۀ واقعی این جریان در خراسان زمین بوده است، کم تر عارف در طول تاریخ تصوف می توان یافت که به میزان خواجه توانسته باشد، طریقت را با شریعت وفق دهد.

روش تعلیم و مقصد کوشش های خواجه تطبیق آراء و آداب صوفیه با موازین دینی و احکام و احادیث نبوی بوده، و اهتمام او بر آن بود که طریقت را بر اساس شریعت بنا کند، اگر چه پیش از وی بسیاری از بزرگان صوفیه برای اثبات اصول نظری و قواعد عملی این طایفه به نقل آیات و احادیث و ذکر روایات توسل جسته و رفتار و سنن پیغمبر اسلام و اصحاب او را پشتیبان اعمال و آداب سالکان طریقت قرار داده و به تفسیر و تأویل عرفانی بعضی آیات و احادیث پرداخته بودند، اما خواجه نخستین کسی بود که در این کار روشی کلی و جامع اتخاذ کرد، در کتاب *صدمیدان* کل اثر را بر پائۀ آیات قرآن استحکام بخشیده و هر میدان را با آیه بی از آیات قرآن معتبر کرده است و در *منازل*-

السائرين این روش را بسط داده است . در رسایل به بیان سخنان ، آداب و رفتار حضرت نبی اکرم
اهتمام ورزیده است، در هر باب این اثر احادیث پیامبر همراه با ذکر سلسله محدثان دیده می شود.

فصل اول

کلیّات تحقیق

۱ کلیات تحقیق

در فصل حاضر، مسرله تحقیق، پرسش‌ها و فرض‌های احتمالی در پاسخ به پرسش‌ها مطرح می‌گردد. پیشینه تحقیق در حوزة پژوهش در آثار خواجه نصیر و ویژه در ارتباط با سبک شناسی آثار وی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به صورت خاص‌تر به پیشینه سبک شناسی انتقادی پرداخته می‌شود. ضرورت انجام تحقیق با توجه به اهمیت آثار و اهمیت مطرح نمودن شیوه‌های نو در سبک‌شناسی فارسی بحث می‌شود و در پایان به اهداف و کارکردهای این پژوهش اشاره شده و روش انجام تحقیق و ابزارهای تحلیلی آن شرح داده می‌شود. در خلال این فصل به این سؤال مهم که چرا این آثار و چرا این رویکرد پژوهشی؟ پاسخ داده می‌شود.

۱ + طرح مسئله

آثار مربوط به ساحت عرفان عملی از لحاظ مضمون و زبان هر کدام دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود هستند؛ که این تنوعات محتوایی و لفظی زمینه ساز تحقیق‌های مختلف از جمله تحلیل سبک - شناسی می‌باشد. از آن جا که در متون مورد پژوهش ما مؤلفه‌های چون: ایدئولوژی، قدرت و متغیرهای تاریخی و جغرافیایی بارز بود، بنا به ضرورت از الگوی تحلیل سبک شناسی انتقادی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (سبک‌شناسی گفتمان‌مدار) استفاده کرده‌ایم.

در این تحقیق به تحلیل سبک شناختی سه اثر خواجه عبدالله انصاری پرداخته شده است؛ آنچه به صورت بنیادین در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، سبک‌پژوهی آثار با توجه به بافت موقعیتی و بافت بیرونی آن‌ها و پرداختن به کاربدهای مؤلفه‌های سبکی بوده است. بافت موقعیتی بر اساس تعریفی که لیچ (۱۳:۱۹۸۱) از آن ارائه می‌کند عبارت است از: نویسنده؛ مقام و موقعیت اجتماعی، علمی یا سیاسی او، مخاطب؛ مقام و موقعیت اجتماعی، سیاسی و علمی او، نقش و کارکرد متن و بافت بیرونی فضایی است که متن در آن پدید آمده است.

آثار مورد نظر قابلیت به تحقیق گرفتن سه لایه زبانی ولایه بلاغی و با اتکاء به ایدئولوژی مؤلف را دارا بود، در لایه های زبانی بخش های آوایی، واژگانی و نحوی مدنظر بوده، در لایه آوایی (بخش نخست، بررسی متغیرهای جغرافیایی و تاریخی و در بخش دوم ساختار ادبی متون از دیدگاه صناعات لفظی و پیوند آن ها با محتوا و بافت موقعیتی قابل بررسی بود). در لایه واژگانی (وجود کثیری از واژگان مربوط به نهاد مذهب که باعث سایه افکندن ایدئولوژی در آثار گردیده بود، نیازمند بررسی واژگان را از حیث نشان داری، شاخص ها و توجه به واژگان مترادف و تکراری بود). در لایه نحوی (توجه به ساختار نحوی متون و پیوند نحو با ایدئولوژی آثار باید به بررسی گرفته می شد؛ در این بخش ضرورت پرداختن به وجهیت و صدای دستور آثار احساس می شد).

در لایه واژگانی در بافت فرامتنی، پیوند ایدئولوژی با واژگان و بافت اجتماعی قابل توجه بود. در لایه بلاغت (شخصی سازی زبان، ساختار بلاغی متون، و استعاره های مفهومی و تمثیل ها و پیوند آن ها با ایدئولوژی خواجه قابل بررسی بود).

۱-۲. پرسش های تحقیق

چون رساله حاضر بر تهاداب سبک شناسی گفتمان مدار بناء شده است، بنابراین بر اساس این الگو الزامی است که به پرسش های زیر پاسخ ارائه شود:

- ۱- ایدئولوژی حاکم بر متون مورد پژوهش چه تأثیری در گزینش سبک آن ها دارد؟
- ۲- تفاوت سطوح سبکی در آثار خواجه عبدالله انصاری چگونه است؟
- ۳- خواجه عبدالله انصاری با استفاده از کدام سطح زبانی توانسته برای خود به مثابه یک عالم دینی موضع اقتدار را در برابر مریدان و قدرت مندان فراهم نماید؟

۱-۳. فرضیه های تحقیق

فرضیه های تحقیق بنا به ضرورت پرسش های فوق سامان یافته است.

- ۱- سبک متون مورد پژوهش متناسب با ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها سازمان یافته است، به طور مثال :
- چون صدمیدان بر پایه شریعت بنا شده است، سبک آن اقناعی است، و هم چنان رسایل محتوای عرفانی دارد، سبک آن ادبی است، به سبب این که متن طبقات/الصوفیه ایدئولوژیک است سبک آن موضع‌گیرانه و زبان آن زیر و خشک و سبک آن جدلی / چالشی است.
- ۲- در سطح آوایی، طبقات دارای سبک متمکن محاوره ای، رسایل دارای سبک مغلوب، صدمیدان دارای سبک متمکن معیاری می باشد. سطح واژگانی، طبقات دارای سبک مذهبی / صوفیانه، سبک رسایل عرفانی است و در صدمیدان سبک دینی / عرفانی حاکم است. در سطح نحوی طبقات نحو ایدئولوژیک، صدمیدان نحو یک دست و با ثابت، رسایل دارای نحوی متغیر و بی ثبات. در سطح بلاغی طبقات دارای سبک جدلی و چالشی، صدمیدان دارای سبک اقناعی، در رسایل به خاطر تنوع موضوعات انواع سبک‌ها (اقناعی، چالشی، جدلی و...) مشهود.
- ۳- خواجه عبدالله انصاری با عدم استفاده از شاخص‌ها (القاب تعظیم آمیز) برای سایر عرفا سعی کرده برای خود اقتداری هم‌سنگ اقتدار عرفا دیگر، فراهم نماید. همچنان در لایه نحوی با استفاده از صدای فعال و وجه اخباری و امری توانسته سبک خود را به سبک آمرانه و چالشی ارتقا دهد، به این شیوه میزان اقتدارش را افزایش دهد.

۱-۴ پیشینه پژوهش

در ایران در باب آثار خواجه عبدالله انصاری کار زیادی انجام نشده است، تعداد مقالات که در این مورد چاپ شده زمان چاپ کثیری از آن‌ها مربوط به قبل از دهه هفتاد می باشد، و از اعتبار علمی چندانی هم برخوردار نمی باشند، اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌گران آن‌ها به شرح حال و نقل افکار خواجه بسنده کرده و در این مقالات رهیافت جدیدی دیده نمی شود، در باب سبک‌شناسی آثار خواجه هر قدر که جست و جو کردیم، به پژوهشی دست نیافتیم. از جمله پژوهش‌های که در باب آثار خواجه انجام شده قرار ذیل می باشند: مختصری از شرح احوال خواجه عبدالله انصاری (دستگودی ۱۳۰۷)، مشاهر در خانقاه و آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (خطیب، ۱۳۵۵)، شیوه تربیت اخلاقی صوفیان و مربی بزرگ خواجه عبدالله انصاری (گنابادی، ۱۳۴۰)، نهان بینی و جهان بینی خواجه عبدالله انصاری (رضازاده شفق، ۱۳۴۱)، کارگاه خیال: خواجه عبدالله انصاری، مناجات نامه، عارف و عاشق، داعی و گلایه گو (چپر دار، ۱۳۸۴)، فقر و غنا از دیدگاه هجویری و خواجه عبدالله

انصاری (موسوی سیرجانی، ۱۳۸۵)، شرح عبارتی از خواجه عبدالله انصاری (اکبرزاده، ۱۳۸۵) علم و معرفت از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری (شجاری، ۱۳۹۰) بررسی طبقات الصوفیه شیخ الاسلام خواجه - عبدالله انصاری (شاکردوست، ۱۳۸۷)، عرفان پیرهرات (مجتبایی، ۱۳۵۸). و سرانجام دکتر شفیع کدکنی مقاله‌ای تحت عنوان «پیرهری» غیر از خواجه عبدالله انصاری است! که در سال (۱۳۸۸) به نشر رسانده است، با دلایل محکم و استوار ثابت نموده که پیرهری که مؤلف تفسیر قرآن بوده، خواجه عبدالله انصاری نیست، بلکه شخصی بوده به نام عمر بن عبدالله کشانی از ناحیه کشان سمرقند بوده است. در این مقاله ثابت شده که خواجه عبدالله انصاری تفسیری نداشته است که مرجع میبیدی بوده باشد. پژوهندگان خارجی هم از پژوهش بر روی آثار خواجه غفلت نکردند، از آن جمله می توان از لویی ماسینیون (۱۸۸۳ - ۱۹۶۳) فرانسوی و پژوهشگر دیگری فرانسوی به نام سِرژ دو لوژیو دو بورکوی (۱۹۱۷ - ۲۰۰۵)، وی عمری را بر سر تحقیق و پژوهش در باره زندگی و افکار و آثار انصاری گذاشت و برای شناخت بهتر و بیشتر خواجه مدتی را هم در افغانستان گذراند. وی اولین کسی بوده که بو طبع انتقادی آثار انصاری اهتمام ورزیده. پیوند و دلبستگی بورکوی با خواجه همانند پیوستگی و دلبستگی آلن نیکلسون با مولانا جلال‌الدین بلخی و هلموت ریتز با شیخ فریدالدین عطار بوده است. کارهای که بورکوی در باب آثار خواجه انجام داده بر علاوه تصحیح‌های انتقادی بعضی از آثار وی قرار ذیل می - باشد: خواجه عبدالله انصاری و عرفان حنبلی (۱۹۶۵)، سرگذشت پیرهرات (۱۹۶۵)، انصاری، راه خدا، سه رساله معنوی (۱۹۸۵)، انصاری فریاد قلب (۱۹۸۸). اکثریت این آثار هنوز به فارسی ترجمه نشده است، از جمله تحقیق‌های فارسی بورکوی می توان به «سرگذشت پیرهرات» و مقدمه‌ها متون تصحیح شده از سوی وی اشاره کرد.

تعدادی اندکی از محققان افغانستانی به تحقیق بر روی آثار انصاری پرداخته اند، از آن جمله می توان به کارکردهای عبدالحی حبیبی قندهاری اشاره کرد، حبیبی علاوه بر مقدمه‌های که در طبقات الصوفیه و صدمیدان نگاشته است مقاله تحت عنوان «سیرت و ابتکار و آثار خواجه عبدالله انصاری» (۱۳۴۱) نگاشته است. عبدالغفور روان‌فرهادی، علاوه بر ترجمه بعضی از آثار بورکوی در باب خواجه عبدالله انصاری مقاله تحت عنوان (مجموعه عرفانی خواجه عبدالله انصاری) در (۱۳۷۹) به نشر رسانده است. سرور مولایی، مقدمه‌های مبسوطی در طبقات الصوفیه و رسایل خواجه تحریر نموده است. استاد خلیل‌الله خلیلی نوشته تحت عنوان «خواجه عبدالله انصاری» در ۱۳۴۱ به نشر رسانده است. عبدالمجید